

احمد شاکری در نشست نقد و بررسی کتاب «کارت‌پستال‌هایی از گور» مطرح کرد؛

ادبیات ضد جنگ، نور حق را خاموش می‌کند!

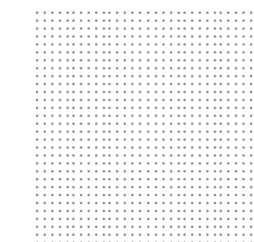
می‌پردازد، به همین دلیل به داستان نزدیک می‌شود. خاطرات به هر میزانی که برای بقا به سمت مخاطب عام برود، می‌تواند موفق‌تر شود. وقتی یک خاطره خواندنی است برای چه کسی خواندنی است؟ چه کسی می‌تواند این خاطره را رد یا تأیید کند؟

بهای جهانی شدن چیست؟

این نویسنده و منتقد تأکید کرد: هر قدر از بستر زمانی، جغرافیایی، فرهنگی، دینی و اعتقادی جداتر شویم، زحمت خاطره‌نویس برای همراه کردن مخاطب بیشتر می‌شود. برای کسی که در بوسنی بوده، این خاطره کاملاً معنی‌دار است اما در ترجمه از همه بسترهای تاریخی فرهنگی جغرافیایی جدا می‌شود. در واقع موضعی که ما در برابر این اثر داریم، احتمالاً موضع مخاطبان خاطرات دفاع مقدس ماست، زمانی که کتاب‌ها ترجمه می‌شود. باید دید چقدر نویسنده برای ترجمه روایت کرده‌است؟ کتاب خلأهایی دارد از جمله این‌که در چه نوع منطقه‌ای اتفاق افتاده، شرایط چگونه بوده، سابقه تاریخی صرب‌ها با بوسنی چیست و فرهنگ و آداب چه بوده‌است؟ کار دشوار دیگر این که وقتی چنین کتابی چاپ می‌شود، موضوعی در ادبیات ما ایجاد می‌کند. بنابراین نسبتی با ادبیات ما برقرار می‌کند و برعکس؛ این‌که مترجم بخواهد ادبیات جهانی داشته‌باشد، کار درستی نیست. تا خاطره‌گوی‌های ما ندانند جهان چگونه خاطره‌های خود را ارائه می‌کند، نمی‌توانند خودشان را تنظیم کنند. در ترجمه چنین کتابی چقدر از ابزارهای تأثیرگذاری بر مخاطبان جهانی استفاده شده‌است؟ ادبیات دفاع مقدس ما از دیرباز سودای جهانی شدن داشته اما بهای جهانی شدن چیست؟ آیا ما همان طور که هستیم، جهانی می‌شویم یا ابتدا باید جهانی شویم تا جهان زبان ادبیات ما را بفهمد.

تیر خلاص به فرهنگ دفاع مقدس

شاکری با بیان این‌که دفاع مقدس ما به دلیل ویژگی‌های خاص خود مقدس شد، عنوان کرد: این کتاب ادبیات پایداری نیست. عنوان ادبیات پایداری، تیر خلاص به فرهنگ دفاع مقدس است. وقتی یک مفهومی را تعریف به عام می‌کنید اختصاصاتش از بین می‌رود. در این بیان از ادبیات پایداری که جنگی رخ داد و عده‌ای مقاومت کردند، بله این کتاب ادبیات پایداری و ادبیات ضد جنگ است. فراموش نکنیم وقتی می‌گوییم ادبیات ضد جنگ، این شبهه ایجاد نشود که مگر اسلام طرفدار جنگ است؟ اسلام هم مخالف جنگ است. وقتی در جنگ بین حق و باطل طرفدار ادبیات ضد جنگ شویم، نور حق را خاموش کرده‌ایم و این کتاب با این سیر پیش رفته‌است. شما این نوع پایداری را که سراسر تیرگی و بدبختی است، با مقاومت مردم غزه مقایسه کنید. در این کتاب ما مرگ، ویرانی، تردید، تسلیم، شکست، بی‌ارزشی، بی‌رحمی، ناامیدی، آوارگی، اسارت و تبااهی می‌بینیم که از نظر نویسنده هیچ افتخاری نداشته و این ادبیات ضد جنگ است.



آیا خاطره با

داستان کاملاً

تمتایز است؟

خیر. این تعریفی

که رایج شده و

گفته می‌شود

داستان لزوماً

مخیل است

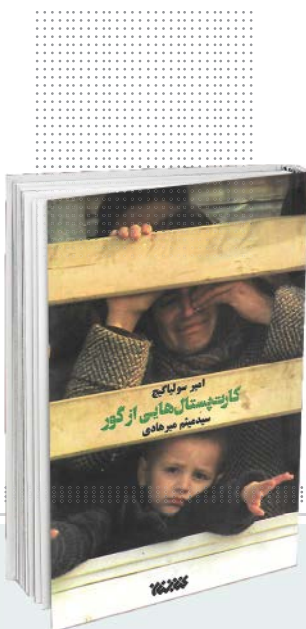
درست نیست.

خاطره می‌تواند

مرز مشترکی

با داستان

داشته‌باشد



کارت‌پستال‌هایی از گور، ارزشمند است و حرفی برای گفتن دارد. هدف اصلی راوی موضوع جنگ و نسل‌کشی در سرینیتسا است. اثر، نگاه ضد جنگ دارد اما این نگاه هدفش را منتقل کرده‌است. مخاطب شرایط را درک می‌کند و تصویرسازی خوبی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. ما حتی خرده‌فرهنگ‌ها را در کتاب و جنگ بوسنی می‌بینیم. در اتفاق سرینیتسا نقش سازمان ملل دلسوزانه نیست و به جای امنیت منطقه به دنبال منفعت خود بودند. این موارد نکات مثبت کتاب بوده که به خوبی شرایط را منتقل کرده‌است.

این منتقد افزود: جای خالی عکس در کتاب دیده می‌شود چون بوسنی جنگ خود ما یا حتی نزدیک ما نیست و بهتر بود نقشه یا عکس‌هایی باشد که منطقه را به مخاطب بشناساند. به هر حال مترجم به زبان بوسنیایی به خوبی مسلط بوده و ترجمه درستی انجام شده‌است.

موضوع را روایت می‌کند و داستان دختری است که در محاصره بوده و موفق به فرار شده‌است.

نگاه این کتاب، ضد جنگ است

الیه آخرتی، منتقد و نویسنده نیز با اشاره به تأثیرگذاری این کتاب گفت: کارت‌پستال‌هایی از گور، نوشته امیر سولییاگیچ با کتاب «لبخند من انتقام من است» اثر جوا آودیچ نقاط مشترکی دارد. تفاوت کتاب امیر سولییاگیچ با جوا آودیچ در دو نکته است: یکی این‌که خاطرات امیر سولییاگیچ غنای بیشتری دارد یکی هم از منظر نویسندگی است که قوام قلم و شیوه‌هایی که برای بیان خاطره استفاده کردند، هنرمندانه‌تر بوده‌است. کتاب



نه‌الزام؛ داستان وظایف و کارکردهایی دارد و اتفاقات آن گونه‌که رخ می‌دهند، داستانی نیستند. داستان از تخیل برای جبران آنها در جهت دستیابی به اهداف داستانی استفاده می‌کند؛ بنابراین رخدادی می‌تواند آن گونه رخ دهد و خاطره‌نگار به گونه‌ای آن را چینش کند که تنه به داستان برند. اگر به این اصل رسیدیم برای حرکت ادبیات معنی‌دار می‌شود.

داستان قابل صدق و کذب نیست

این منتقد با اشاره به تفاوت‌های خاطره و داستان بیان کرد: اگر بپذیریم این کتاب خاطره است، مهم‌ترین نکته این است که چون از ظرفیت‌های فرمی داستان بسیار کم استفاده کرده، برای نقد ما می‌تواند اثبات اسناد آن باشد. مهم‌ترین وظیفه خاطره این است که باید مطابق با واقع باشد؛ چون گزاره‌های خاطره قابل صدق و کذب است؛ یعنی شاهد ما خبری از واقع می‌دهد که اگر کذب باشد، کل کتاب از اعتبار می‌افتد. پس داستان قابل صدق و کذب نیست. اگر گزاره‌های خاطره خبر و قابل صدق و کذب باشد، باید ببینیم نویسنده آیا گزاره‌هایی که درباره بوسنی داده صادق است یا خیر و اثبات این موضوع از عهده ما خارج است.

عامل موفقیت خاطرات

شاکری ادامه داد: اگر روایت‌ها حکایت از این داشته‌باشد که اتفاقی افتاده اکثر روایت‌ها جای پای محکمی نیست به ویژه در جایی که خاطرات به سمت شخصی شدن تمایل می‌کند؛ چون خاطره توصیف کلی از جنگ را نمی‌دهد. خاطره روایتی از خود شخصیت توسط خودش و برای بقای خود راوی است؛ چرا که راوی شاهد هم بوده‌است. خاطره به امر جزئی

احمد شاکری در سی‌وسومین نشست نقد و بررسی کتاب کتابخانه پارک شهر که برای کتاب «کارت‌پستال‌هایی از گور» و به همت «تم استوری» برگزار شد، با اشاره به ظرفیت‌های جنگ برای ادبیات، گفت: درباره کتاب کارت‌پستال‌هایی از گور می‌توان به صورت تمثیل و با بیان شواهد و نمونه‌ها صحبت کرد. جنگ جزو موقعیت‌هایی است که شاید توجه عمده‌ای را چه در بحث خاطره‌نگاری و چه در بحث ادبیات داستانی در بین نویسندگان به خود معطوف کرده و فارغ از این، جنگ‌ها به نوعی پدیدآورنده جریان‌ها و سبک‌های ادبی بوده‌اند. نویسندگانی از دل جنگ رشد کردند یا سربازان جنگی بودند و بعد به روایت آن پرداخته‌اند. دفاع مقدس ما ظرفیت‌های عظیمی برای روایت داشت. هر کشوری که وارد جنگ می‌شود، این جنگ ذخیره‌ای بالقوه برای حال و آینده در ادبیات ایجاد می‌کند. جنگ فقط در خط مقدم اتفاق نمی‌افتد و جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. هر جنگی خاستگاه ادبیات است.

خاطره با داستان کاملاً متمایز نیست

شاکری با تأکید بر خاطره بودن این کتاب، عنوان کرد: این کتاب ترجمه و خاطره است؛ چیزی که باید در این جلسات دنبال آن باشیم به تعبیری فن ماهیگیری است. اگر اختلاف نظری هم داشته باشیم، رجوع ما به میناست که با چه دستگاه و پیش‌فرض‌هایی سراغ این کتاب می‌رویم؟ اولین مینا این است که آیا خاطره با داستان کاملاً متمایز است؟ خیر. این تعریفی که رایج شده و گفته می‌شود داستان لزوماً مخیل است درست نیست. خاطره می‌تواند مرز مشترکی با داستان داشته‌باشد. استفاده از تخیل برای داستان یک امکان است و

نگاه ویژه

از منظر مترجم و منتقد

بعدها مشخص شد بر اساس آمار رسمی تا ۸۰۰۰ نفر توسط نیروهای صرب قتل عام شدند. در جریان این نسل‌کشی، افرادی هم موفق به فرار شدند. از سال ۲۰۰۵ به بعد این راه فرار، مسیری شد که همه ساله عده‌ای برای یادبود کشته‌شدگان آن را طی می‌کردند. این رویداد به سفرهای مارش‌میرا معروف و باعث شد فعالان حوزه نشر و رسانه هم دست به کار شوند و در ایران هم سه کتاب توسط انتشارات کتابستان ترجمه شده‌است. نویسنده کتاب، مترجم نیروهای سازمان ملل بوده در شهر سرینیتسا حضور داشته و چون زبان انگلیسی می‌دانسته و استخدام سازمان ملل بوده، زنده مانده‌است. کتاب «لبخند من انتقام من است» هم این

میثم میرهادی، مترجم کتاب در توضیح اولیه‌ای درباره کتاب کارت‌پستال‌هایی از گور گفت: اگر بخواهیم کتاب‌هایی را مرور کنیم که به جنگ بوسنی پرداخته‌است، باید به سفرهای مارش‌میرا بپردازیم. با راه افتادن سفرهایی که به مارش‌میرا معروف است، به نوعی بحث‌های مربوط به بوسنی در کشور ما احیا شد. تولد این کتاب، ماه عسل مراوده ایران با بوسنی است. یکی از دردناک‌ترین اتفاقات مربوط به جنگ بوسنی، روزهای آخر جنگ است؛ تابستان ۱۹۹۵ میلادی وقتی که شهر سرینیتسا که منطقه امن اعلام شده بود، سقوط می‌کند و به دست صرب‌ها می‌افتد. دو سه روز بعد از سقوط شهر، هیچ خبری به بیرون مخابره نشد.